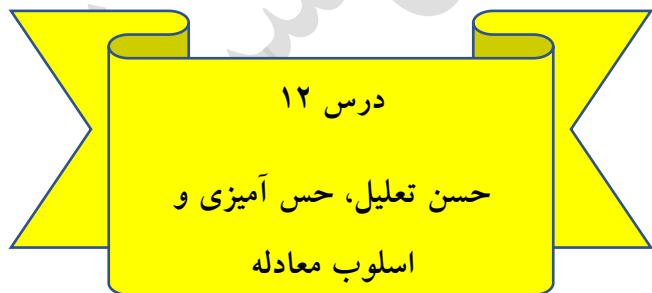


تنظیم: صبا گلی فرهود از مراغه، میناصحاف امین از ناحیه ۳ تبریز



حسن تعلیل

حسن تعلیل از صنایع بدیعی معنوی در حوزه زیبایی شناسی ادب فارسی است که در شعر فارسی جایگاه ویژه ای دارد. این آرایه، موجب زیبایی آفرینی، خیال انگیزی و برجستگی کلام می شود. هم چنین علت هر پدیده را به صورت ادبی و با زبان هنر و تصویر، بر مبنای اعتباری لطیف و تخیلی نغز، بیان می کند. چون حسن تعلیل خلاف عقل و منطق و عرف است، حس اعجاب و شگفتی را در خواننده برمی انگیزد.

توجه: اگر بیان علت در اثری لطیف، نباشد یا جنبه علمی داشته باشد، نمی توان آن را ادبی دانست. پس تعلیل در ادبیات شیوه خاصی دارد و باید مبتنی بر **تشبیه** باشد. تعلیل بر دو نوع است:

الف) علتی که ذکر می شود واقعی و حقیقی است، اما در ربط آن به معلول، ظرافت و لطافتی وجود دارد و این به وسیله تشبیه (مضمهر و تمثیل) صورت می گیرد.

ب) علت ادعایی: علتی که برای معلول ذکر می شود حقیقت ندارد، بلکه شاعر بر اثر تشبیهی که در ذهن او ایجاد شده است، چنین ادعایی می کند و این هنری تر است. گاهی علت ادعایی، امر غیرممکن را نیز ممکن جلوه می دهد.

در حسن تعلیل، شاعر با نگاه خود بین اموری که پیوندی با هم ندارند رابطه می آفریند؛ به عبارت دیگر، شاعر در صدد اثبات ممکن بودن امر ناممکن است و بنابراین مطالب مبدل را به عنوان حقیقت ارائه می دهد. مثلا شاعر در بیت زیر، ظلمت و تاریکی صبح نخست را به علت حرکت خورشید نمی داند بلکه آن را به دروغ گویی صبح نخست نسبت می دهد.

به صدق کوش که خورشید زاید از نفست که از دروغ سیه روی گشت صبح نخست

*

یا در بیت: تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر چهر دلبر

شاعر از یک تصویر لطیف و هنری برای پنهان بودن چهره دماوند (قله) بهره برده است و معتقد است کوه دماوند برای اینکه کسی چهره او را نبیند آن را پشت ابر و مه پنهان کرده است.

به سرو گفت کسی میوه ای نمی آری؟ جواب داد که آزادگان تهی دست اند

سعدی دلیلی هنری و لطیف برای میوه ندادن سرو بیان کرده است. این دلیل غیرواقعی و ادعایی است و زیبایی آفرینی بیت از همین علت سازی خیالی است. چرا ای سرو میوه نمی آوری؛ زیرا من آزاده ام و آزادگان هیچ چیزی ندارند.

تویی بهانه آن ابرها که می گریند / بیا که صاف شود این هوای بارانی (قیصر امین پور)

چرا ابرها می گریند؟ به خاطر تو.

نرگس همی رکوع کند در میان باغ زیرا که کرد فاخته بر سرو مؤذنی (منوچهری)

چرا گل نرگس خم شده است؟ زیرا فاخته دارد بانگ نماز سر می دهد.

باران همه بر جای عرق می چکد از ابر پیداست که از روی لطیف تو حیا کرد (سنایی)

چرا از ابر باران می بارد؟ زیرا از روی زیبای تو شرمنده است.

رسم بدعهدی ایام چو دید ابر بهار گریه اش بر سمن و سنبل و نسرین آمد (حافظ)

چرا ابر می گرید؟ زیرا از بدعهدی روزگار گله مند است.

از آن مرد دانا دهان دوخته است که بیند که شمع از زبان سوخته است (سعدی)

چرا مرد دانا خاموش است؟ زیرا می بیند که شمع به خاطر زبانش نابود می شود.

هنگام سپیده دم خروس سحری دانی که چرا همی کند نوحه گری؟

یعنی که نمودند در آینه صبح از عمر شبی گذشت و تو بی خبری (خیام)

چرا خروس در سپیده دم می خواند؟ زیرا می خواهد به تو بگوید که غافل و نادانی

مثال برای حسن تعلیل :

۱) آن زلف مشک‌بار بر آن روی چون بهار گر کوتاه است کونهی از وی عجب مدار

شب در بهار، روی نهد سوی کونهی وان زلف چون شب آمد و آن روی چون بهار (امیر معزی)

در این ابیات شاعر علت کوتاهی زلف را نه علت حقیقی آن بلکه ناشی از آن می‌داند که چون شب در بهار کوتاه می‌شود و زلف محبوب چون شب است و رخسارش چون بهار، بدین سبب زلف او کوتاه است.

۲) سر به آزادگی از خلق برآرم چون سرو گر دهد دست که دامن ز جهان درچینم حافظ

حافظ معتقد است اگر مثلاً سرو آزاده تصور می‌شود، به این دلیل است که دامن از جهان فروچیده است.

۳) به مژده جان به صبا داد شمع در نفسی ز شمع روی تو اش چو رسید پروانه حافظ

هنگام وزیدن باد شمع می‌میرد و خاموش می‌شود. در این بیت، علت خاموشی شمع از باد نیست، بلکه به این سبب است که شمع می‌خواهد جان خود را به باد بسپارد و فدای او کند.

توجه : حسن تعلیل بر پایه ی یکی از صور بیانی: تشبیه، استعاره، کنایه ، تلمیح ، مجاز و اغراق ، خلق می‌شود .

حسن تعلیل بر پایه اغراق

اغراق یکی از آرایه های ادبی است که ادعای وجود یک ویژگی در کسی یا چیزی را دارد که امکان وجود آن ویژگی در شخص به آن اندازه و شدت امکان پذیر نباشد. زیبایی اغراق در آن است که غیر ممکن را به گونه ای ادا می‌کند که ممکن به نظر می‌رسد. حسن تعلیل نیز بیش از هر آرایه ای همواره با نوعی اغراق شاعرانه همراه است که موجب شگفتی و درنگ مخاطب می‌شود؛ برای مثال زمانی که حافظ می‌گوید:

پرتو روی تو تا در خلوتم دید آفتاب می رود چون سایه هر دم بر در و بامم هنوز

حسن تعلیل این شعر چنین است که در تخیل اغراق آمیز شاعر دلیل این که خورشید، به در و بام خانه حافظ می‌گردد، امری طبیعی نیست، بلکه به این سبب است تا نشانی از پرتو یار حافظ بگیرد.

حسن تعلیل بر پایه تشخیص

اشک من گر ز غمت سرخ برآمد چه عجب خجل از کرده خود پرده دری نیست که نیست

در این بیت، اشک، همچون انسانی، سخن چینی کرده است؛ به عبارت دیگر سرخی و خونین بودن اشک به دلیلی طبیعی و جسمانی نیست، بلکه به این دلیل است که راز عشق شاعر را آشکار کرده است. بنابراین اشک، سرخ شده است؛ زیرا هر شخصی که پرده دری بکند، در نهایت از کار خود شرمنده میشود. آنچه موجب شده است شاعر دلیلی برای سرخی و شرمندگی اشک بیاورد آن است که در تخیل شاعر، اشک به انسانی تشبیه است و صفاتی انسانی به آن نسبت داده شده است.

حسن تعلیل بر پایه مراعات نظیر :

رسم بد عهدی ایام چو دید ابر بهار گریه اش بر سمن و سنبل و نسرین آمد

شاعر علاوه بر کاربرد آرایه مراعات نظیر بین واژه های سمن ، سنبل و نسرین ، علت بارش باران در بهار در بد عهدی روزگار می داند . ابر بهاری زمانی که بی وفایی روزگار را دید از این بدعهدی به گریه افتاد .

حسن تعلیل بر پایه ایهام :

مثال یک : دشمن زندگی است موی سپید روی دشمن سیاه باید کرد

شاعر موی سپیدش را برای جوان نمایی سیاه کرده، اما مدعی است که دلیل سیاه کردن موی این است که موی سپید دشمن زندگی است، زیرا نشانه ی پیری و کوتاه شدن زندگی است، پس موی سپید را باید رو سیاه کرد. این جمله ایهام دارد و دو معنایی است: ۱- موی (دشمن زندگی) را باید خوار کرد. ۲- موی سپید را باید سیاه کرد

مثال دو : بنفشه دوش به گل گفت و خوش نشانی داد که تاب من به جهان طره ی فلانی داد

واژه «تاب» در دو معنای ایهامی «پیچ و تاب، و اضطراب» به کار رفته است. گل بنفشه به مناسبت رنگ تیره و پیچ و تاب و بوی خوش خود نماد زلف زیباست. زمینه تصویری شعر آن است که حالت خمیدگی گل بنفشه به دلیلی طبیعی نیست، بلکه به آن سبب است که در برابر زلف معشوق کم آورده و از حسد دچار پیچ و تاب و در عین حال اضطراب و اندوه (معنای ایهامی) شده است.

حسن تعلیل بر پایه تشبیه :

مثال یک : گر این آب و خیزاب طغیان به دوش و گر کوه موج، چون اشتراست

چه پرهیز و پروا که همچون صدف مرا گوش از بانگ طوفان پر است « شفیعی کدکنی »

شاعر «جامعه» را به دریا، «جریان های سیاسی» را به آب و خیزاب و موج، «خود» را به صدف و «مشکلات جامعه» را به طوفان تشبیه کرده است.

مثال دو: واله و شیدا است دایم همچو بلبل در قفس / طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست

شاعر شیدایی، پریشانی و هیجان بلبل طوطی صفت خود در قفس را به سبب اشتیاق به لب هم چون شکر و چشم چون بادام دوست می داند.

حسن تعلیل برپایه نماد:

وقتی افق با تیرگی آشتی می کرد / خون هزاران اطلسی / تبخیر می شد / در غروب روز

که نام دیوی روی دیوار خیابان را / آلوده تر میکرد

علت تبخیر شدن خون هزاران اطلسی در غروب روز (شهادت جوانان) حضور دیوی است که نامش روی دیوار خیابان را آلوده کرده است. «دیو»: نماد حاکمان مستبد و «اطلسی»: نماد جوانان است.

حسن تعلیل برپایه تلمیح:

خضری مگر گذشته از این راه / آه این چه معجزه ست / کز دور سبزی می زند و جلوه می کند

تنوار خشک و پیر سپیدار پار / شاید

سر سبزی درخت سپیدار کهنسال در فصل بهار به خاطر رسیدگی و آبیاری صحیح است اما شاعر معتقد است چون خضر از کنار آن گذشته درخت سرسبز شده است. هم چنین شاعر با آوردن دو کلمه «خضر» و «سبز» میان مطلب اصلی و ماجرای برکت بخشی حضرت خضر ارتباط برقرار کرده است.

حسن تعلیل برپایه تشخیص، متناقض نما و تضاد

در لحظه دیدار تو خاموشم از آنک / دل، پیشتر از زبان، سخنها دارد « شفیعی کدکنی »

« دل سخنگو » تشخیص دارد و « زبان گویای خاموش » متناقض نماست و « خاموش با سخن داشتن » تضاد دارد. اما شاعر دلیل خاموشی خود در لحظه دیدار را، گویایی و سخن گفتن دلش می داند.

مثال های دیگر برای حسن تعلیل:

۱- دلم خانه مهر یار است و بس / از آن می ننگنجد در آن کین کس «سعدی»

مصرع اول، حسن تعلیلی است برای وجود نداشتن کینه در دل شاعر، زیرا که دل خود را که محل استقرار محبت محبوب است دلیل ادبی برای کینه نداشتن با دیگران دانسته است.

- ۲- چو سرو از راستی بر زد علم را ندید اندر جهان تاراج غم را «نظامی»
 سرسبزی و راست قامتی سرو دلیلی است برای عدم انحراف آن.
- ۳- گر شاهدان نه دینی و دین می برند و عقل پس زاهدان برای چه خلوت گزیده اند؟ «سعدی»
 سبب خلوت گزیدن زاهدان از آن سبب است که از شاهدان (زیبا رویان)، که دنیا و دین و عقل را غارت می کنند، در امان باشند.
- ۴- بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد حاصل بی حاصلی نبود به جز شرمندگی «صائب»
 در این بیت، شاعر برای شکل ظاهری و آویزان بودن شاخه‌ها و برگ‌های درخت بید، علتی شاعرانه اما غیرواقعی آورده است و آن، سرافکنندگی بید به سبب بی حاصلی است.
- ۵- گل بر رخ رنگین تو تا لطف عرق دید در آتش رشک از غم تو غرق گلاب است
 تقلید گل سرخ از معشوق باعث شده است که عرق کند و به گلاب تبدیل شود؛ زیرا زیبایی عرق را بر رخ معشوق دیده و این تقلید حسادت آمیز باعث عرق کردن و غرق در عرق شدن گل سرخ شده است.
- ۶- مجال خواب نمی باشدم ز دست خیال در سرای نشاید بر آشنایان بست
 شاعر نمیتواند فکر و خیال معشوق را از ذهن خود بیرون کند و به خواب برود؛ زیرا عاشق اوست، اما دلیل می آورد: خیال یار آشنا و همدم من است و درست نیست که انسان در خانه ی خود را (یعنی «ذهن خود را» به روی دوست و آشنا «خیال یار» نگشاید و او را به خانه ی خود راه ندهد.

یکی از نشانه های حسن تعلیل وجود حرفی مانند: از، که، تا، چون، پس می باشد.

توجه:

- ۱- از آن مرد دانا دهان دوخته است که بیند که شمع از زبان سوخته است
 در این مثال شاعر علت سکوت آدم دانا را دیدن سوختن شمع بیان کرده است.
- ۲- از آن به چشم خود ای اشک مسکنت دادم که در بیان محبت گواه من باشی
 شاعر علت وجود اشک در چشم را گواه اشک درمیزان محبت او نسبت به یار می داند.
- ۳- تا چشم تو ریخت خون عشاق زلف تو گرفت رنگ ماتم
 شاعر معتقد است زلف یار، سیاه و چشمش، خون ریز است. پس علت سیاهی زلف معشوق را خونریزی چشمان او قلمداد کرده است.
- ۴- چوب را چون بشکنی گوید تراق این صدا از چیست؟ از درد فراق
 علت صدای ترق در شکستن چوب به علت دوری از دوست نیست، پس یک دلیل هنری است نه عقلی.

سوال در باره حسن تعلیل

۱- در کدام یک از بیت های زیر، آرایه ی « حسن تعلیل » دیده می شود؟ دلیل خود را بنویسید.

الف- ماه خورشید نمایش ز پس پرده ی زلف

آفتابی است که در پیش سحابی دارد

ب- به صدق کوش که خورشید زاید از نَفَسْت

که از دروغ سیه روی گشت صبح نخست

جواب: (بیت ب حسن تعلیل دارد. / زیرا طلوع صبح کاذب (نخست) و غروب زود هنگام آن یک پدیده ی طبیعی است که علت واقعی آن به جغرافیا مربوط است. اما این که شاعر بی دوامی و روسیاهی آن را نتیجه ی دروغگویی آن می شمارد، یک ادعا است.)

۲- در ابیات زیر، هر یک از آرایه های « اغراق، تضاد، تضمین، تناقض و حسن تعلیل » را بیابید.

الف- زکوی یار می آید نسیم باد نوروژی

از این باد ارمدد خواهی، چراغ دل برافروزی

ب- ذره را تا نبود همّت عالی

طالب چشمه ی خورشید درخشان نشود

پ- بیابانی آمدش ناگاه پیش

ز تابیدن مهر پهناش بیش

ت- گفتمی به غم بنشین یا از سر جان برخیز

فرمان برمت جانا، بنشینم و برخیزم

ث- خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم

کز نسیمش بوی جوی مولیان آید همی

پاسخ (الف: تناقض / ب: حسن تعلیل / پ: اغراق / ت: تضاد / ث: تضمین)

۳- چه آرایه ای در بیت زیر دیده می شود؟

« زین آتش نهفته که در سینه ی من است

خورشید شعله ای است که در آسمان گرفت »

ب) اسلوب معادله

الف) حسن تعلیل

ج) حس آمیزی

د) متناقض نما

پاسخ: حسن تعلیل

سوالات نهایی حسن تعلیل

۱- در هر یک از بیت های گروه « الف » کدام آرایه ادبی گروه « ب » به کار رفته است؟ (قسمت « ب » یک مورد اضافه است)

ب	الف
الف) اغراق	۱- شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل
ب) حسن تعلیل	۲- بر لب کوه جنون خنده شیرین بهار
ج) تلمیح	۳- اگر چه نقش دیوارم به ظاهر از گران خوابی
د) مراعات نظیر	کجا دانند حال ما سبکباران ساحل ها نقش زخمی است که از تیشه فرهاد شکفت اگر رنگ از رخ گل می پرد بیدار می کردم

۲- با توجه به بیت « خمیده پشت از آن گشتند پیران جهان دیده که اندر خاک می جویند ایام جوانی را »

الف) شاعر چه دلیلی برای « خمیدگی پشت پیران » بیان کرده است؟

ب) این هنر شاعرانه سبب پیدایش کدام آرایه معنوی در بیت شده است؟

۳- در بیت زیر ، قسمت مشخص شده ، کدام آرایه ادبی را به وجود آورده است؟

«تویی بهمانه آن ابرها که می گریند بیا که صاف شود این هوای بارانی»

۴- در هر یک از گزینه های گروه « الف » کدام آرایه ادبی گروه « ب » به کار رفته است؟ (قسمت « ب » یک مورد اضافه است).

ب	الف
الف) اسلوب معادله	۱) از آن مرد دانا دهان دوخته است که بیند که شمع از زبان سوخته است
ب) ایهام	۲) خداوند لباس هراس و گرسنگی را به آن ها چشاند
ج) حسن تعلیل	۳) چون جام شفق موج زند خون به دل من با این همه دور از تو مرا چهره زری است
د) حس آمیزی	

پاسخ سوالات نهایی

سوال یک : ۱) مراعات نظیر « موج ، گرداب ، هایل ، ساحل » ۲) حسن تعلیل « خنده شیرین بهار نقش، نقش زخم تیشه فرهاد باشد) ۳) اغراق « پریدن رنگ گل باعث بیداری بشود»

سوال دو : الف) که درخاک به دنبال جوانی می گردند، که یک دلیل ادبی و غیر واقعی است ب) حسن تعلیل

سوال سه : حسن تعلیل

سوال چهار : ۱) حسن تعلیل (برای سکوت مرد دانا ، دلیلی شاعرانه آورده است ۲) حس آمیزی (لباس پوشیدنی و لمس کردنی است نه چشیدنی) ۳) ایهام : دور از تو (الف) دور از جان تو ب) در دوری از تو)

سوالات کنکور در باره حسن تعلیل

۱- آرایه های (مجاز ، ایهام ، حسن تعلیل ، استعاره) به ترتیب در کدام ابیات آمده است ؟

الف) به خون از نعمت الوان قناعت کن که مشک تر به خون خوردن شد از ناف غزالان ختن پیدا

- ب) زمین قابل اگر بهر فکر می طلبی
 ج) غنچه دلگیر ما را برگ شکر خند نیست
 د) تا دور از آن لب شکرین همچو نی شدیم
- ز پیش مصرع ما بیشتر شود پیدا
 ای نسیم عافیت ، شبگیر کن از کوی ما
 ترجیع بند ناله بود بند بند ما
- ۱) ب، الف، ج، د
 ۲) ب، د، الف، ج
 ۳) ج، الف، د، ب
 ۴) ج، د، ب، الف
- پاسخ : گزینه ۲:

- ۲- ترتیب آرایه های (استعاره ، حس آمیزی، حسن تعلیل ، ایهام ، لف ونشر) در کدام ابیات است ؟
- الف) کاش در پرده شب و روز پوشی رویت
 ب) ابراز آن پیدا شود کز رشک خورشید رُخت
 ج) مگر ز چشم تو دم زد به گلستان نرگس
 د) همه فدای تو کردند جان شیرین را
 ه) تنگ شکر تلخکام از خنده شیرین او
- تا ننازد فلک سفله به خورشید و مهش
 آستین بر رخ نهد با دامن تر آفتاب
 که از خماری سحر ، حالتی دژم دارد
 چه شاهدی تو که بهتر ز جان شیرینی
 گلبن تر سرخ روی از گریه رنگین من
- ۱) ب، د، ه، ج، الف
 ۲) ب، ه، الف، د، ج
 ۳) ج، د، الف، ب، ه
 ۴) ج، ه، ب، د، الف
- پاسخ : ۴

حس آمیزی

آمیختن ویژگی های دو حس از حواس پنج گانه ظاهری (حس شنوایی، حس بینایی، حس چشایی، حس بویایی و حس لامسه)، از صور خیالی است که در ادبیات فارسی سابقه کاربرد طولانی دارد، و در زیبا شناسی سخن ، حس آمیزی ، آمیختن دو یا چند حس است به گونه ای که با ایجاد موسیقی معنوی به تأثیر سخن بيفزاید و سبب زیبایی شود.

نکته : در آرایه حس آمیزی ، از روی کلمه ی قبل وبعد از حس داده شده و یا از روی فعل جمله می توان حس آمیزی را تشخیص داد .
 مثال: حرف هایم مثل یک تگه چمن روشن بود.

روشنی حرف : روشنی امری دیدنی و حرف یک چیز شنیدنی است. شاعر در این مصراع، دو حس بینایی و شنوایی را با هم آمیخته است .

انواع آمیختن حواس :

۱- بینایی و شنوایی :

استفاده از رنگ و تصاویر زنده در اشعار شاعران ، حس بینایی و شنیدن شعر، حس شنوایی را بر می انگیزد. مثال:

الف: تیرگی می آید / دشت می گیرد آرام / قصه ی رنگی روز / ومی رود رو به تمام. سپهری

ب: از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر یادگاری که در این گنبد دوار بماند. حافظ

پ: به گوش هوش بشنو این سخن را فدای این سخن کن جان و تن را عطار

ت: بلبل از افغان رنگین سرخ دارد روی باغ بوستان پیرا دهان غنچه پر زر می کند صائب تبریزی

ث: وز ره دندانتان همچون شعاع خنجر عفریت برق خنده های باطل می جهد بیرون نیمایوشیج

ج: تا ببینم این ندا آواز کیست که ندایی بس لطیف و بس شهی است مولوی

۳- بینایی و لامسه :

د: در هر نظر به رنگ دگر جلوه می کند از بس که رنگ آن گل رخسار نازک است صائب تبریزی

۴- شنوایی و لامسه :

الف: چون نسازد ناله گرمش جگرها را کباب بلبل ما بارها داغ گلستان دیده است صائب تبریزی

ب: ای بدیده در فراقم سرد و گرم با خود آ از بیخودی و بازگرد مولوی

(دیدن در این بیت، استعاره از درک کردن و سرد و گرم استعاره از ناخوشی و خوشی است.)

۵- بینایی و چشایی :

الف: ته جرعه خزان است رنگ شکسته من رنگ شکفته تو سرجوش نوپهار است صائب تبریزی

ب: خداوند لباس هراس و گرسنگی را به آن ها چشانید. (آیه ۱۱۲، سوره ی نحل)

پ: نور می نوشد مگو نان می خورد لاله می کارد به صورت می چرد مولوی

(نور نوشیدن این بیت، استعاره از بهره مندی از فضایل معنوی است. نوشیدن نور که از متعلقات بینایی است، به معنای استعاری بهره مند

شدن و دریافت کردن نور است.)

۶- بویایی و شنوایی (گفتن در ارتباط با گوش)

الف: غروبگاهان در کوچه های خلوت شهر / که بوی پیچک ، هذیان عاشقی می گفت،

تو در کنار من آهسته راه می رفتی. نادر نادر پور

ب: بوی خوش تو هر که ز باد صبا شنید از یار آشنا سخن آشنا شنید حافظ

پ: شاه بسویی بُرد از اسرار من متهم شد پیش شه گفتار من مولوی

(بو بردن از اسرار، استعاره از آگاه شدن از اسرار است .)

۷- بینایی ، شنوایی و لامسه (بساوایی)

الف: صدای تو سبزینه آن گیاه عجیبی است / که در انتهای صمیمیت حزن می روید. سهراب سپهری

ب: با حنجره چکاوک خردی که ماه دی / از پونه بهار سخن می گوید / وقتی کزان گلوله سربی

با قطره / قطره / قطره خونش / موسیقی مکرر و یکریز برف را / ترجیعی ارغوانی می بخشد . شفیع کدکنی

پ: سخن از زندگی نقره ای آوازی است / که سحرگاهان فواره کوچک می خواند فروغ فرخزاد

ت: بانگ زشتم مایه غم می شود / عمر خلق از بانگ من کم می شود مولوی

(بانگ زشت، استعاره از آواز نامطلوب است.)

۸- شنوایی و چشایی :

الف : گوش آن کس نوشد اسرار جلال / کو چو سوسن صد زبان افتاد و لال مولوی

ب: دوستی جاهل شیرین سخن / کم شنو کان هست چون سمّ کهن مولوی

سخن شیرین، استعاره از سخن فریبنده و جذاب است.

۹- بویایی و چشایی :

پادشاهان جهان از بد رگی / بو نبردند از شراب بندگی مولوی

(بو بردن از شراب، استعاره از دریافتن و چشیدن آن است .)

۱۰- چشایی و شنوایی - شنوایی و بینایی ، در یک بیت

به ترانه های شیرین ، به بهانه های رنگین / بکشید سوی خانه مه خوب خوش لقا را مولوی

(ترانه های شیرین: چشایی و شنوایی) (بهانه های رنگین شنوایی و بینایی)

دقت : گاه مفاهیم انتزاعی مانند مرگ ، صفا ، فراق ، حسرت ، طالع ، حيله و... با ویژگی های حس چشایی (مانند تلخی ، ترشی ، شیرینی

، خوردن ، نوشیدن و...) بینایی (دیدن و سیاهی) ترکیب می شوند. مثلا :

چشایی و انتزاعی :

◀ خوردن حيله

خویشتن را بهر جلوه ساختند

الف: حيله را خوردند و آن سو تاختند

- ب: بعد ده سال و به هر سالی چنن لابه ها و وعده های شکرین ◀ وعده شیرین
- (وعده های شکرین، استعاره از وعده های دلپذیر)
- بینایی وانتزاعی : در خلاق روح های پاک هست روح های تیره گل ناک هست ◀ روح تیره
- لامسه و انتزاعی : جز برای یاری و تعلیم غیر سرد باشد راه خیر از بعد خیر ◀ سرد بودن راه
- (سرد بودن راه خیر، استعاره از بیهوده بودن آن)
- بویایی وانتزاعی : تا بیایی بوی خلد از یار من چون محمد بوی رحمن از یمن ◀ بوی خلد
- (بوی خلد، استعاره از اثر و نشان بهشت و اثر رحمان و برکت آن است.)

سوال در باره حس آمیزی

- ۱) در کدام بیت آرایه حس آمیزی دیده نمی شود؟
- الف- بامن به سلام خشک ای دوست زبان تر کن تا از مژه هر ساعت لعل ترت افشانم
- ب- ما گرچه مرد تلخ شنیدن نه ایم لیک تلخی که از زبان تو آید شنیدنی است
- ج- آن بلبلم که چون کشم ازدل صفر گرم بوی محبت از نفسم می توان شنید
- د- این لطایف کز لب لعل تو من گفتم که گفت وین تطاول کز سر زلف تو من دیدم که دید
- پاسخ : گزینه د
- ۲) در کدام گزینه آرایه حس آمیزی دیده می شود؟
- الف- بوی جان از لب خندان قدح می شنوم بشنوی خواجه اگر زان که مشامی داری
- ب- این ظلمت سرا تا کی به بوی دوست بنشینم گهی انگشت بر دندان گهی سر بر سر زانو
- ج- چو بزمش بوی خوش را ساز دادی صبا وام ریاحین باز دادی
- د- همش رنگ و بوی و همش قد و شاخ سواری میان لاغر و بر فراخ
- پاسخ : گزینه الف
- ۳) در کدام بیت، آرایه «حس آمیزی» مشهود نیست؟
- الف- تلخ منشین شراب اگر داری شور کم کن کباب اگر داری

ب- هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق

ثبت است بر جریده عالم دوام ما

ج- رخ شاه کاووس پر شرم دید

سخن گفتنش با پسر نرم دید

د- ما گرچه مرد تلخ شنیدن نه ایم لیک

تلخی که از زبان تو آید شنیدنی است

پاسخ: گزینه ب

۴) در بیت: « با صبا همراه بفرست از رخت گلدسته ای

بوکه بویی بشنویم از خاک بستان شما »

آرایه ی « حس آمیزی » را مشخص کنید.

پاسخ: بویی بشنویم

۵) در عبارت « خبر تلخی بود » چه آرایه ای وجود دارد؟ دلیل خود را بنویسید.

پاسخ: آرایه ی حس آمیزی / زیرا دو حس "شنوایی" و "چشایی" را با یکدیگر آمیخته است.

۶) در بیت زیر آرایه حس آمیزی را مشخص کنید.

« گلوی مرغ سحر را بریده اند
درین شط شفق آواز سرخ او باقی است »

پاسخ: آواز سرخ

۷- در بیت های زیر آرایه های (حس آمیزی و حسن تعلیل) را پیدا کنید.

الف) روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد

زان زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما

ب) بوی بهبود ز اوضاع جهان می شنوم

شادی آورد گل و باد صبا شاد آمد

پ) تا نه تاریک بود سایه ی انبوه درخت

زیر هر برگ چراغی بنهد از گلنار

ت) به ترانه های شیرین به بهانه های رنگین

بکشید سوی خانه مه خوب خوش لقا را

ث) خمیده پشت از آن گشتند پیران جهان دیده

که اندر خاک می جویند ایام جوانی را

ج) زان روی که رحمت خدایی

بر خلق خدای رحمت آری

پاسخ (حس آمیزی در ابیات: ب، ت / حسن تعلیل در ابیات: الف، ت، ث، ج

سوال نهایی حس آمیزی:

در بیت زیر، قسمت مشخص شده، کدام آرایه ادبی را به وجود آورده است؟

سخن های شیرین به آوای نرم

سپهد فرستنده را گفت گرم

پاسخ : حس آمیزی

سوال کنکور حس آمیزی

سوال یک - کدام بیت دارای تلمیح ، حس آمیزی ، ایهام تناسب و ایهام است ؟

- ۱- هم از آن موی سیه مایه هر سودایی
هم از آن روی نکو یوسف هر بازاری
- ۲- تو شکر لب که با خسرو بسی شیرین داری
کجا آگاهی از شوریده حال کوهکن داری
- ۳- گر به تلخی جان شیرینم نمی آید به لب
کام دل کی از لب شیرین جوابت دیدمی
- ۴- زان رو به شکل سوزن عیسی شدم که تو
باریک تر ز رشته ی باریک مریمی

پاسخ : گزینه ۲

سوال دو - ترتیب قرار گرفتن ابیات با توجه به آرایه های (ایهام تناسب ، حسن تعلیل ، استعاره و حس آمیزی) در کدام گزینه درست است ؟

- الف) بام آن کعبه مقصود بلند است ای کاش
عشق می داد مرا بال و پری بهتر از این
- ب) از آن اشک خالی نیست چشمم
که پندارم شراب لاله رنگ است
- ج) چو سرو میل چمن کن که صبحدم در باغ
سماح بلبل شیرین کلام خواهد بود
- د) هشیار سری کز می سودای تو مست است
آباد دلی کز غم دلدار خراب است

۱) ج، الف، ب، د (۲) ج، ب، د، الف (۳) د، الف، ب، ج (۴) د، ب، الف، ج

پاسخ : گزینه ۴

سوال سه - آرایه های (اغراق ، تشبیه ، حس آمیزی ، حسن تعلیل ، کنایه) به ترتیب در کدام گزینه آمده است ؟

- الف) تو کز سنگین رکابی لنگری ، سامان کشتی کن
که برخارو خس ما هر کفی ساحل تواند شد
- ب) کامت شیرین باد که هر رخنه ای از دل
شیرین ز شکرخند تو چون کنج دهن شد
- ج) ریحان که رخ گلشن ازو تازه وتر بود
از تازگی خط تو تقویم کهن شد
- د) شد شوق من به الفت لیلی یکی هزار
هر وحشی که با من دیوانه رام شد

ه (بوی خوش آهوی تو بر دشت گذر کرد

داغ جگر لاله ستان ناف ختن شد

ج، د، الف، ب، ه

د، ه، ب، الف، ج

د، ج، ب، ه، الف

ه، ب، د، ج، الف

پاسخ: گزینه ۴

اسلوب معادله

اسلوب معادله یکی از آرایه‌های ادبی است که اساس آن برگرفته از آرایه تمثیل است که در آن شاعر مطلبی را که غالباً یک مفهوم عقلی و از نوع خبری است، در یک مصراع مستقل بیان می‌کند و برای اثبات ادعای خود در مصراع بعدی دلیلی می‌آورد. به گونه‌ای که امکان جابه‌جایی دو مصراع، بدون برهم ریختن استقلال دستوری دو مصراع وجود داشته باشد و هیچ حرف ربطی یا حرف شرطی که آن دو مصراع را به هم مرتبط سازد، یافت نشود. در اسلوب معادله سه اصل: درک معنا، تحیر و لذت حاصل از تحیر مورد نظر شاعر و خواننده است. شاعران سبک هندی که بارزترین صنعت مورد استفاده آنها اسلوب معادله و تمثیل است به همین دلیل به شاعران مضمون پرداز در ادبیات ایران نامی شده‌اند.

مثال:

۱- کام دل نتوان گرفتن از جهان بی روی سخت / آتش آوردن برون از سنگ، کار آهن است

۲- پاکان ستم ز جور فلک بیشتر کشند / گندم چو پاک گشت خورد زخم آسیا

۳- میوه پخته محال است نیفتد بر خاک / هر که دل بسته به این دار فنا، نیم رس است

در دو مثال اول، شاعر (صائب تبریزی) در مصراع نخستین به طرح موضوع های انتزاعی، یعنی سختی کام دل گرفتن از جهان، بیشتر سختی کشیدن پاکان از جور روزگار، و در مصراع دوم هر بیت با آوردن مثال‌هایی از عالم واقعیت استدلال گونه سعی در ملموس و مقبول کردن موضوع دارد. اما در مثال سوم، در مصراع اول مثال را بیان کرده و در مصراع بعدی به ذکر موضوع می‌پردازد.

توجه

ارتباط اسلوب معادله و تمثیل:

در واقع اسلوب معادله، زیرمجموعه‌ی تمثیل می‌شود و به عبارتی هر اسلوب معادله‌ای به خودی خود تمثیل حساب می‌شود. اما مواردی که به عنوان تمثیل آورده می‌شود، مصداق اسلوب معادله نیست.

ارتباط اسلوب معادله و تشبیه:

در ژرف ساخت هر اسلوب معادله‌ای تشبیه وجود دارد ولی اسلوب معادله تشبیه شمرده نمی‌شود.

تفاوت اسلوب معادله و ارسال المثل و تمثیل :

باید توجه داشت که ساختار اسلوب معادله همان ساختار ارسال المثل است. حد فاصل اسلوب معادله و ارسال مثل در شدت مشهور بودن مطلب و رواج آن بر زبان مخاطبان است. در اسلوب معادله و تمثیل شاعر از یک مثل استفاده نمی کند، بلکه مثالی روشن تر و قابل فهم تر برای سخن خود بیان می کند، اما در ارسال المثل، الزاماً یک مثل ذکر می شود. مانند:

اندک اندک به هم شود بسیار دانه دانه است غله در انبار (ارسال المثل)
 کبرشت است و از گدایان زشت تر روز سرد برف، آنگه جامه تر (اسلوب معادله)
 سر انگشت تحیر بگزد عقل به دندان چون تامل کند آن صورت انگشت نما را (ارسال المثل)
 در این بیت «انگشت به دندان گزیدن از حیرت»، یک ضرب المثل است.

سبک مغزی کز اسباب جهان بر خویش می بالد چو حمالی است کز بار گران بر خویش می بالد (تمثیل)
 من اگر نیکم اگر بد، تو برو خود را باش هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت (تمثیل)

ارتباط اسلوب معادله و حسن تعلیل :

۱- اسلوب معادله و حسن تعلیل می توانند در یک بیت کنار هم بیایند. مانند:

الف) کلید گنج سعادت زبان خاموشی است صدف به مزد خموشی، گهر ز نیشان یافت
 ب) بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد حاصل بی حاصلی نبود به جز شرمندگی

(بررسی بیت الف : صدف بسیار نرم و لطیف است به همین علت برای حفاظت، پوسته ای محکم به دور خود تشکیل می دهد. مرواریدهای زیبا و درخشان راهم صدف می سازد؛ به این شکل که هر وقت جسمی خارجی مانند ذره ای شن داخل پوسته صدف شود، صدف برای دفع جسم خارجی، موادی از جنس پوسته ترشح می کند که این مواد به صورت لایه لایه روی جسم خارجی قرار می گیرند و بعد از مدتی مروارید تشکیل می شود. مروارید تشکیل شده معمولاً به شکل کره ای سفید و درخشان است اما گاهی هم شکلی نامنظم شبیه گلابی یا تخم کبوتر پیدا می کند. اما قدما معتقد بودند که با افتادن قطره باران درون صدف، مروارید تشکیل می شود. پس مصرع دوم آرایه حسن تعلیل دارد. و علاوه بر آن شاعر معتقد است همانگونه که پاداش خاموش بودن صدف و بسته بودن دهان صدف اعطای قطره ای از طرف باران بهاری جهت تشکیل مروارید است، شخصی هم که خاموش باشد و پرحرفی نکند به سعادت دست می یابد. پس آرایه اسلوب معادله دارد.

بررسی بیت ب : شرمندگی به سبب بی ثمری و بی حاصلی، موجب رو به پایین بودن شاخه های بید مجنون است پس دارای حسن تعلیل است و هم چنین حاصل بی حاصلی، چیزی جز شرمندگی نیست؛ همان طور که بید مجنون هم به سبب بی ثمری در تمام عمر، سر بالا نکرد پس اسلوب معادله دارد.)

۲- در اسلوب معادله دلیل نداریم ولی در حسن تعلیل برای یک موضوع علت شاعرانه می آورند که در عالم واقعیت ربطی به آن ندارد. (تفاوت اسلوب معادله و حسن تعلیل)

اسلوب معادله و استفهام انکاری :

گاهی مصراع ها برای نفی یا اثبات حکمی به صورت استفهام انکاری درمی آیند . مثال:

مثال یک : تو را ز حال پریشان ما چه غم دارد اگر چراغ بمیرد صبا چه غم دارد ؟
مثال دو : بر بستر هجران شاید که نپرسندم کس سوخته خرمن را گوید به چه غمگینی ؟

نشانه های اسلوب معادله

- ۱- ارتباط دو مصراع بر پایه تشبیه است .
- ۲- یکی از مصراع ها مثالی برای مصراع دیگری است . (یک مصراع موضوع را مطرح می کند و مصراع دیگر مثال را .)
- ۳- بین دو مصراع می توانیم علامت مساوی یا « همانطور که » ، « همچنانکه » ، « همانگونه که » ، « درحالیکه » بیاوریم .
- ۴- دو مصراع استقلال معنایی جداگانه دارند .
- ۵- پیام شاعر در هر دو مصراع یکسان است .
- ۶- مطلب یک مصراع ذهنی و یک مصراع عینی و ملموس است
- ۷- در آخر مصراع اول و ابتدای مصراع دوم حروف ربط وابسته ساز (که، چون زیرا و...) در معنای « زیرا که » نیاید.

دقت

وقتی میان دو مصراع حرف ربط وابسته ساز بیاید دیگر اسلوب معادله نیست و تمثیل یا ارسال المثل است . به عبارتی دیگر اگر موضوع در مصراع اول تمام نشود و با حرف ربطی به مصراع دوم کشیده شود ، دیگر اسلوب معادله نخواهد بود . مثلا :

مثال یک : من از روییدن خار سر دیوار دانستم که ناکس، کس نمی گردد از این بالا نشینی ها!
مثال دو : نه غم و نه غم پرستم، ز غم زمانه رستم که حریف او شدستم، که در ستم بیستم

نمونه هایی برای اسلوب معادله :

- ۱- کامجویان را ز ناکامی چشیدن چاره نیست بر زمستان صبر باید طالب نورو را
- ۲- کار هر موری نباشد با سلیمان گفتگو یار هر سگبان نباشد رازدار پادشا

- ۳- دعوی ایمان کنی و نفس را فرمان بری
- ۴- احتمال نیش کردن واجب است از بهر نوش
- ۵- تا رنج تحمل نکنی گنج نبینی
- ۶- با همه خلق نمودم خم ابرو که تو داری
- ۷- چشم عاشق نتوان بست که معشوق نبیند
- ۸- دل من نه مرد آن است که با غمش سرآید
- ۹- فدای جان تو گر من شوم چه شود
- ۱۰- در سخن گفتن خطای جاهلان پیدا شود
- ۱۱- بعد از این در عوض اشک ، دل آید بیرون
- ۱۲- نیست اوج اعتبار پوچ مغزان را ثبات
- ۱۳- سختی رسد از چرخ به نازک سخنان بیش
- ۱۴- چشم عاشق خاک کوی دلستان بیند به خواب
- ۱۵- در حریم وصل، اشک شور من شیرین نشد
- ۱۶- دل چو شد غافل ز حق فرمان پذیر تن بود
- ۱۷- شاه و گدابه دیده ی دریادلان یکی است
- ۱۸- توبدین حسن و لطافت نروی ازدل ما
- ۱۹- دل قانع ز احسان کریمان است مستغنی
- ۲۰- آدمی را زبان فضحیه کند
- با علی بیعت کنی و زهر پاشی بر حسن
- حمل کوه بیستون بر یاد شیرین بار نیست
- تا شب نرود صبح پدیدار مگردد
- ماه نو هر که ببیند به همه کس بنماید
- پای بلبل نتوان بست که برگل نسراید
- مگسی کجا تواند که بیفکند عقابی
- برای عید بود گوسفند قربانی
- تیر کج چون از کمان بیرون رود رسوا شود
- آب چون کم شود از چشمه، گل آید بیرون
- کوزه خالی فتد زود از کنار بامها
- با سنگ سرو کار بود شیشه گری را
- هرچه هرکس در نظر دارد، همان بیند به خواب
- کعبه نتوانست کردن تلخی از زمزم جدا
- می برد هر جا که خواهد اسب، خواب آلوده را
- پوشیده است پست و بلند زمین در آب
- یوسف از جرم نکویی است که در زندان است
- به آب تلخ دریا احتیاجی نیست گوهر را
- جوز بی مغز را سبکساری

آوردن اسلوب معادله در دوبیت :

شاعر در یک بیت (به جای یک مصرع) موضوعی معقول را ارائه می کند و در بیتی دیگر آن را به کمک ارائه تجربیات ملموس ، قابل فهم می کند .

چشم ز غمت نمی برد خواب

مثال یک : صبر از تو کسی نیاورد تاب

چندان که بنا کنی خراب است

شک نیست که بر ممر سیلاب

مادام که هست امید درمان

مثال دو : عاقل نکند شکایت از درد

بی خار نمی دمد گلستان (سعدی)

بی مار به سر نمی رود گنج

غزلی از صائب تبریزی که تمام ابیات آن اسلوب معادله است .

نیست با تن جان وحشت دیده را دل بستگی

ریشه در خاک تعلق نیست اهل شوق را

خارخار شوق در دل کار بال و پر کند

خارخار شوق دارد جنگ با آسودگی

دولت سردر هوایان را نمیشد دوام

تیرهختی میکند کونه زبان لاف را

میکند زخم زبان شوریدگان را گرمتر

تنگنای شهر زندان است بر سرگشتگان

میفشانند گرد هستی از خود آسان گردباد

میروند بیرون ز دنیا پایکوبان گردباد

طی به یک پا میکند چندین بیابان گردباد

تا نفس دارد نیاساید ز جولان گردباد

میشود در جلوهای از دیده پنهان گردباد

در دل شبها نمیشد نمایان گردباد

خاروخس را بال و پرسازد ز جولان گردباد

راست میسازد نفس را در بیابان گردباد

سوال در باره اسلوب معادله

۱- ابیاتی را که دارای اسلوب معادله هستند معلوم کنید .

کی ز خون مرده از تلقین گره وامیشود

الف) گفت و گوی عشق با افسردگان بیحاصل است

به چه امید به بازار رساند خود را

ب) یوسف ما ز تهیدستی خلق آگاه است

توقع ثمر از بید بادپیمائی است

پ) وفا و مهر از آن گل طمع مدار ای دل

یوسف و گرگ به یک چاه به زندان دارم

ت) پیرم از رشک و شد آمیخته با جان غم یار

غربال را زکثرت حاصل چه فایده

ث) سیری زمال نیست تهی چشم حرص را

خود شکن آینه شکستن خطاست

ج) آینه گر نقش تو بنمود راست

پاسخ : بیت های دارای اسلوب معادله عبارتند از : الف ، پ ، ث

۲- در کدام یک از بیتهای زیر اسلوب معادله برقرار است؟

- الف) همچو نی زهری و تریاقی که دید؟
 ب) حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست
 ج) میشوند از سردمهری دوستان از هم جدا
 د) پروانه نیستم که به یک شعله جان دهم
- همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟
 که آشنا سخن آشنا نگه دارد
 برگها را می‌کند باد خزان از هم جدا
 شمع که جان گدازم و دودی نیورم

پاسخ: گزینه سوم:

۳- در همهٔ گزینه‌ها آرایهٔ اسلوب معادله موجود است به جز ...

- الف) در شوره زار نیست ثمر تخم پاک را
 ب) دلم ز گریه مستانه هم صفا نگرفت
 ج) ز رفتگان، ره دشوار مرگ شد آسان
 د) نمی‌بود اینقدر خواب غرور دلبران سنگین
- بر زاهدان مخوان غزل عاشقانه را
 فغان که آب شد آینه و جلا نگرفت
 گذشتگان، پل این سیل خانه پردازند
 اگر می‌داشت آوازی شکست شیشهٔ دل‌ها

پاسخ: گزینه د

۴- در کدام گزینه آرایه «اسلوب معادله» نیامده است؟

- الف) چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان
 ب) آن را که بود مغز و خرد خاموش است
 ج) ز سخت‌گیری دوران چه باک عارف را
 د) مکر او معکوس و او سر زیر شد
- چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان
 از کاسه‌ی پُر، صدا نیاید بیرون
 ز قحط سال، هما بی‌نوا نخواهد شد
 روزگارش برد و روزش دیر شد

پاسخ: گزینه الف

۵- در همه‌ی گزینه‌ها به جز گزینه‌ی اسلوب معادله وجود دارد.

- الف) عشق چون آید برد هوش دل فرزانه را
 ب) رنگین سخنان در سخن خویش نهان‌اند
 ج) بیستون بر سر راه است مباد از شیرین
 د) حسن بیان مجوی ز ما دل شکستگان
- دزد دانا می‌کشد اول چراغ خانه را
 از نکهت خود نیست به هر حال جدا گل
 خبری گفته و غمگین دل فرهاد کنید
 از کاسه‌ی شکسته نخیزد صدا درست

پاسخ: گزینه ۳

سوالات نهایی اسلوب معادله :

۱- آرایه های « اسلوب معادله » و « حس آمیزی » را در ابیات زیر بیابید و دلیل تشخیص خود را برای هر مورد بنویسید:

الف) آسمان فریبی آبی رنگ شد

ب) سرکشان را فکند تیغ مکافات ز پای
شعله را زود نشانند به خاکستر خویش

۲- آرایه « حسن تعلیل » و « اسلوب معادله » را در بیت های زیر بیابید و برای تشخیص خود در هر بیت دلیل بیاورید:

الف) دل چو شد غافل ز حق ، فرمان پذیر تن بود
می برد هر جا که خواهد اسب خواب آلوده را

ب) به یک کرشمه که در کار آسمان کردی
هنوز می پرد از شوق ، چشم کوکب ها

۳- در همه گزیننه ها به جز گزیننه آرایه « اسلوب معادله » به کار رفته است.

الف) چشم عاشق نتوان دوخت که معشوق نبیند
پای بلبل نتوان بست که بر گل نسراید

ب) نیست پروا تلخکامان را ز تلخی های عشق
آب دریا در مذاق ماهی دریا خوش است

ج) عجب نیست بر خاک اگر گل شکفت
که چندین گل اندام در خاک خفت

د) بی کمالی های انسان از سخن پیدا شود
پسته بی مغز چو لب وا کند ، رسوا شود

پاسخ سوالات نهایی اسلوب معادله :

۱- الف) حس آمیزی ، دلیل: آمیزش یک امر ذهنی با حس بینایی « ب) اسلوب معادله ، دلیل: بیان مطلبی در دو عبارت مستقل به نحوی که یکی از طرفین که به صورت ضرب المثل است ، معادلی است برای تأیید عبارت دیگر.

۲- الف) اسلوب معادله ؛ زیرا هر مصراع استقلال نحوی و معنایی خودش را دارد

ب) حسن تعلیل ؛ زیرا شاعر دلیلی شاعرانه و غیر واقعی برای سخن خویش آورده است. یا چشمک زدن ستارگان را از ناز و کرشمه یار بر آسمان می داند

۳- « د » حسن تعلیل ؛ الف: تمثیل « کل بیت مثالی است برای نمونه هایی مانند چنین موضوعاتی ب) متناقض نما : بی هوش محرم هوش باشد ج) اسلوب معادله : مصراع دوم مثالی است برای مصراع اول)

سوال کنکور اسلوب معادله

۱- آرایه های (تشبیه ، جناس ، ایهام ، استعاره و اسلوب معادله) به ترتیب در کدام ابیات وجود دارد ؟

الف) خون دل تا چند نوشم باده نوشین بیار
ب) نقدی که ز بازار تو بردیم تلف شد
ج) گفتم ز دل خویش دهان سازمت ای ماه
د) مانند تو بر روی زمین نادره ای نیست
ه) عنان مصلحت در عشق می باید رها کردن

تا بشویم جامه جان را به آب چشم جام
سودی که ز سودای تو کردیم زیان شد
گفتا نتوان ساخت ز یک نقطه دهانی
زان خواننده فلک نادره ی دور زمانت
ندارد حاصلی در بحر بی ساحل شنا کردن

۱) ج، الف، ب، د، ه

۲) د، ه، ب، ج، الف

۳) ج، ب، د، الف، ه

۴) د، الف، ه، ج، ب

پاسخ: گزینه یک

خودارزیایی

۱- ادر کدام یک از بیت های زیر اسلوب معادله آمده است؟ توضیح دهید.

نیست پروا تلخکامان را ز تلخی های عشق
آب دریا در مذاق ماهی دریا خوش است
صائب

در این بیت اسلوب معادله به کار رفته است زیرا می توان جای دو مصراع را تغییر داد. عاشقان از سختی راه عشق هراسی ندارند، همان گونه که آب دریا به مذاق ماهی خوش می آید و از آن هراسی ندارد.

فکر شبیه تلخ دارد جمعه اطفال را
عشرت امروز بی اندیشه فردا خوش است
صائب

در این بیت اسلوب معادله به کار رفته است زیرا می توان جای دو مصراع را تغییر داد. فکر روز شبیه، جمعه را برای کودکان تلخ می کند؛ به همین گونه نیز عشرت و خوشی امروز، فقط بدون فکر کردن به فردا خوشایند است.

با کمال احتیاج از خلق استغنا خوش است
با دهان تشنه مردن بر لب دریا خوش است
صائب

در این بیت اسلوب معادله به کار رفته است. زیرا می توان جای دو مصراع را تغییر داد.

بی نیازی از مردم در کمال نیاز به آنها خوشایند است؛ همان گونه که مردن از تشنگی بر لب دریا خوشایند است.

تنور لاله چنان برفروخت باد بهار
که غنچه غرق عرق گشت و گلبه جوش آمد
حافظ

این بیت اسلوب معادله ندارد.

پشت گوژ آمد فلک در آفرینش تا کند
هر زمان پیشت زمین بوس از برای افتخار
سعدی

این بیت اسلوب معادله ندارد. اما حسن تلیل دارد.

سرکشان را فکند تیغ مکافات ز پای
شعله را زود نشانند به خاکستر خویش
حزین لاهیجی

در این بیت اسلوب معادله به کار رفته است. زیرا می توان جای دو مصراع را تغییر داد. انسان های سرکش خیلی زود به مکافات عملشان می رسند، همان طور که شعله خیلی زود در خاکستر خودش فرو می ریزد.

بی کمالی های انسان از سخن پیدا شود
پسته بی مغز چون لب وا کند، رسوا شود
صائب

در این بیت اسلوب معادله به کار رفته است. زیرا می توان جای دو مصراع را تغییر داد.

نقص انسان با سخن گفتن او عیان می شود همانطوریکه پسته بدون مغز به محض باز کردن دهان، رسوا می شود .

آزاده را جفای فلک بیش می رسد اول بلا به عاقبت اندیش می رسد امیری فیروزکوهی

در این بیت اسلوب معادله به کار رفته است. زیرا می توان جای دو مصراع را تغییر داد. جفا و ستم روزگار بیشتر به انسان های آزاده می رسد، همان طور که بلاها ابتدا بر سر انسان دور اندیش می رسد .

ملامت از دل سعدی فرو نشوید عشق سیاهی از حبشی چون رود که خود رنگ است سعدی

در این بیت اسلوب معادله به کار رفته است. زیرا می توان جای دو مصراع را تغییر داد. ملامت دیگران باعث نمی شود سعدی از عشق دست بردارد همان طور که سیاهی پوست حبشی هیچ گاه از او دور نمی شود، زیرا بخشی از وجود اوست. (حبشی منسوب به حبشه) ۲-- در بیت ها و عبارات های زیر حس آمیزی را بیابید و توضیح دهید.

خداوند لباس هراس و گرسنگی را به آنها چشانند. (نحل / ۱۱۲)

لباس را باید پوشید نه چشید. (ترکیب حواس بویایی + لامسه)

نجوای نمناک علفها را می شنوم. سهراب سپهری

شاعر نمناک بودن را برای نجوا به کار برده است. (ترکیب حواس شنوایی + لامسه)

از این شعر تر شیرین ز شاهنشاه عجب دارم که سر تا پای حافظ را چرا در زر نمی گیرد؟ حافظ

شعر تر: (ترکیب حواس شنوایی + لامسه چشایی)

ما گر چه مرد تلخ شنیدن نه ایم؛ لیک تلخی که از زبان تو آید، شنیدنی است طالب آملی

تلخی را باید چشید نه شنید. (ترکیب چشایی + شنوایی)

بوی دهن تو از چمن می شنوم رنگ تو ز لاله و سمن می شنوم مولوی

بو شنیدنی نیست (ترکیب حواس بویایی + شنوایی) رنگ مربوط به بینایی می باشد. (ترکیب حواس بینایی + شنوایی)

خط شکسته را هم محکم تر و بامزه تر از دیگران می نوشت. عبدالله مستوفی

خط را بامزه تر نوشتن حس آمیزی دارد مزه مربوط به حس چشایی است خط دیداری است. (ترکیب حواس بینایی + لامسه - چشایی)

۳- در کدام یک از بیت های زیر آرایه حسن تعلیل یافت می شود؟ توضیح دهید.

عجب نیست بر خاک اگر گل شکفت که چندین گل اندام در خاک خفت سعدی

بیت حسن تعلیل دارد. علت رویدن گلها از خاک، مدفون شدن پیکر زیبا رویان در زمین است .

اشک سحر ز یاد از لوح دل سیاهی خرم کند چمن را باران صبحگاهی رهی معیری

بیت حسن تعلیل ندارد. بیت دارای اسلوب معادله است .

به یک کرشمه که در کار آسمان کردی هنوز می پرد از شوق چشم کوبها صائب

بیت حسن تعلیل دارد. زیرا علت چشمک زدن ستاره ها (درخشش آنها) به خاطر ناز و کرشمه ای است که خداوند در کار آسمان روا داشته است.

سپهر مردم دون را کند خریداری بخیل سوی متاعی رود که ارزان است ناظم هروی

بیت حسن تعلیل ندارد؛ بلکه دارای اسلوب معادله است.

خمیده پشت از آن گشتند پیران جهان دیده که اندر خاک می جویند ایام جوانی را نظامی

بیت حسن تعلیل دارد. خمیدگی پشت پیرها به خاطر خم شدن آنها برای جستجوی ایام جوانی در خاک است.

کارگاه تحلیل فصل

۱- اشعار زیر در چه قالبی سروده شده است؟ پس از تعیین پایه‌های آوایی و وزن واژه‌های هر مصراع، تفاوت این نوع شعر را با اشعار سنتی بیان کنید.

و صدای باد هر دم دل‌گزاتر / در صدای باد بانگ او رهاتر، / از میان آب‌های دور و نزدیک، / باز در گوش این نداها: / «ای آدم‌ها». نیمایوشیج

پایه‌های آوایی	وَصِ دَا يِ بَا د هَر دَم دَل گَزَا تَر
وزن	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
نشانه‌های هجایی	--- U - / --- U - / --- U U
پایه‌های آوایی	دِر صِ دَا يِ بَا د بَا نِ گِ اَو رَهَا تَر
وزن	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
نشانه‌های هجایی	--- U - / --- U - / --- U -
پایه‌های آوایی	اَز مِ يَا نِ اَب هَا يِ دَو رُ نَز دِيك
وزن	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
نشانه‌های هجایی	--- U - / - U - U - / - U - U -
پایه‌های آوایی	بَا ز دِر گُو شِي نِ دَا هَا
وزن	فاعلاتن فاعلاتن

باز در گوش این نداها:

نشانه‌های هجایی	-- U - / -- U -
پایه‌های آوایی	آی آ دم ها
وزن	- / - - U -
نشانه‌های هجایی	فاعلاتن فع

شعر در قالب نیمایی است، طول مصراع‌ها کوتاه و بلند است و به همین دلیل، تعداد پایه‌های آوایی در هر مصراع متفاوت می‌باشد. ۲-- پس از خوانش درست اشعار نیمایی زیر، پایه‌ها، وزن و نشانه‌های هجایی را مقابل هر مصراع بنویسید.
همان رنگ و همان بوی / همان برگ و همان بار / همان خنده خاموش در او خفته بسی راز / همان شرم و همان ناز | اخوان ثالث

پایه‌های آوایی	ه مان رن گُ ه مان بوی
وزن	مفاعیلن فعولن
نشانه‌های هجایی	-- U / U -- - U
پایه‌های آوایی	ه مان برگُ ه مان بار
وزن	مفاعیلن فعولن
نشانه‌های هجایی	-- U / U -- - U
پایه‌های آوایی	ه مان خن د یِ خا مو شِ د رو خف تِ ب سی راز

وزن	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعولن	همان خندهٔ خاموشِ در او خفته بسی راز
نشانه‌های هجایی	-- U / U --- U / U --- U / U --- U	
پایه‌های آوایی	هَ مان شَرْمُ هَ مان ناز	همان شرم و همان ناز
وزن	مفاعیلن فعولن	
نشانه‌های هجایی	-- U / U --- U	

۳- برای اشعار نیمایی زیر مانند نمونهٔ بالا جدولی بکشید، پایه‌های آوایی، وزن و نشانه‌های هجایی هر مصراع را بنویسید؛ سپس اختیار شاعری به کار رفته در آن را مشخص کنید.

قایقی خواهم ساخت / خواهم انداخت به آب / دور خواهم شد از این خاک غریب / که در آن هیچ کسی نیست که در بیشه عشق قهرمانان را بیدار کند.

سهراب سپهری

پایه‌های آوایی	قای قی خا هَم ساخت	قایقی خواهم ساخت
وزن	فاعلاتن فَع لَن	
نشانه‌های هجایی	-- / -- U -	خواهم انداخت به آب
پایه‌های آوایی	خا هَ مَن دا خت بِ آب	
وزن	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعولن	

<p>مصراع ابدال است ، یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه آمده است / اختیار وزنی : فاعلاتن در رکن اول مصراع به جای فاعلاتن آمده است.</p>		
<p>فاعلاتن فَعْلَن</p>	<p>وزن</p>	
<p>- U U / - - U -</p>	<p>نشانه‌های هجایی</p>	
<p>دو ر خا هَم ش دَ زین خا کِ غَ ریب *** اختیار شاعری : اختیار زبانی حذف همزه در هجای هفتم / اختیار وزنی : فاعلاتن در رکن اول مصراع به جای فاعلاتن آمده است / اختیار وزنی در تبدیل هجای کشیده پایان مصراع به یک هجای بلند</p>	<p>پایه‌های آوایی</p>	<p>دور خواهم شد از این خاک غریب</p>
<p>فاعلاتن فاعلاتن فَعْلَن</p>	<p>وزن</p>	
<p>- U U / - - U U / - - U -</p>	<p>نشانه‌های هجایی</p>	
<p>ک د ران هی چ ک سی نیس ت ک در بی ش ی عشق *** اختیار شاعری : اختیار وزنی در تبدیل هجای کشیده پایان مصراع به یک هجای بلند / اختیار زبانی حذف همزه در هجای سوم</p>	<p>پایه‌های آوایی</p>	<p>که در آن هیچ کسی نیست که درپیشه عشق</p>
<p>فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فَعْلَن</p>	<p>وزن</p>	
<p>- U U / - - U U / - - U U / - - U U</p>	<p>نشانه‌های هجایی</p>	
<p>قَه رِ مانان را بی دار کُ ند *** اختیار شاعری : / اختیار وزنی : فاعلاتن در رکن اول مصراع به جای فاعلاتن آمده است / اختیار وزنی ابدال و تبدیل دو هجای کوتاه به یک هجای بلند در رکن دوم</p>	<p>پایه‌های آوایی</p>	<p>قهرمانان را بیدار کند</p>

وزن	فاعلاتن	مفعولن	فعلن
نشانه‌های هجایی	- U U / - - - / - - U -		

۳- شعر زیر در چه قالبی سروده شده است؟

آن کیست که تقریر کند حال گدا را
کز غلغل بلبل چه خیر باد صبا را
در قالب مستزاد سروده شده است.

در حضرت شاهی؟
جز ناله و آهی؟
ابن حسام هروی

۵- با توجه به رباعی زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید:

آغوش سحر تشنه دیدار شماس
خورشید که در اوج فلک خانه اوست

مهتاب خجل ز نور رخسار شماس
همسایه دیوار به دیوار شماس
علیرضا قزوه

الف) دو مورد از ویژگی‌های فکری شعر را بنویسید.

در توصیف عظمت مقام شهیدان، ارزشهای انقلابی و رخدادهای دفاع مقدس و ترویج آموزه‌های ایثار، شهادت، استقامت است.

ب) از آرایه‌های علم بیان و بدیع، هر کدام یک مورد بیابید و توضیح دهید.

بیان: آغوش سحر: تشخیص (استعاره مکنیه)، خجالت مهتاب: تشخیص (استعاره مکنیه) / همسایه دیوار به دیوار بودن خورشید: استعاره مکنیه / مصرع دوم کنایه از عظمت شهید

بدیع: اغراق در مصرع پایانی / واج آرایی حرف «ر» / مراعات نظیر: سحر، مهتاب، خورشید، فلک - دیدار، رخسار - خانه، همسایه - نور، مهتاب، خورشید /

۶- تحقیق کنید که تضمین به کار رفته در شعر زیر از کدام شاعر است.

صدا چون بوی گل در جنبش آب

به آرامی به هر سو پخش می‌گشت

جوان می‌خواند سرشار از غمی گرم

پی دستی نوازش بخش می‌گشت

«تو که نوشم نه‌ای، نیشم چرایی؟»

تو که یارم نه‌ای، پیشم چرایی؟»

«تو که مرهم نه‌ای، زخم دلم را،

نمک پاش دل ریشم چرایی؟»

فریدون توللی شعری از بابا طاهر همدانی را تضمین کرده است.

۷- پس از تعیین پایه‌های آوایی و وزن هر بیت، نام بحر آن را بنویسید.

الف) ای مست شب رو کیستی؟ آیا مه من نیستی؟

گر نیستی، پس چیستی؟ ای همدم تنهای دل

مهرداد اوستا

ای مس ت شب / رو کی س تی / آ یا م ه / من نی س تی

گر نی س تی / پس چی س تی / ای هم د م / تن ها ی دل

وزن: مستعلن / مستعلن / مستعلن

نام بحر: رجز مثنی سالم

ب) پر از مثنوی‌های رندانه است

شب شعر عرفانی چشم تو

سید حسن حسینی

پ ر ز م ت / ن و ی ها / ی ر ن دا / ن ا س ت

شَبِ شَع / رِ عِ رِ فَا / نِ یِ چِ شِ / مِ تِ

نام بحر: متقارب مثنی محذوف

وزن: فعولن / فعولن / فعولن / فعل
 (پ) هر دم از سرگشتگی چون گرد می پیچم به خود
 هر دَمَز سَر / گش ت گِی چُن / هر دَمَز سَر / گش ت گِی چُن
 هم رَهان رَف / تن دُ من تن / هم رَهان رَف / تن دُ من تن

نام بحر: رمل مثنی محذوف

وزن: فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلاتن / فاعلن
 (ت) به پایان آمد این دفتر، حکایت همچنان باقی
 به صد دفتر نشاید گفت حسب الحال مشتاقی
 بِ پا یا نا / مَ دین دَف تر / حِ کائِت هم / چِ نان با قِی
 ب صد دَف تَر / نَ شایِد گَف / ت حَس بُلِ حَا / لِ مَشِ تا قِی

نام بحر: هزج مثنی سالم

وزن: مفاعیلن / مفاعیلن / مفاعیلن / مفاعیلن

۸- متن زیر را بخوانید و ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری آن را بررسی کنید.

«... مینی بوس با سرعت نه چندان زیاد پیش می‌رفت. نگاه کردم به مناظر اطراف جاده و مزارع و خانه‌های روستایی، بعد از هفتاد و پنج روز زندانی بودن، حسی فراموش نشدنی در من ایجاد می‌کرد. شکل و شمایل خانه‌های روستایی آنجا هم شبیه روستای خودمان بود و این تشابه مرا دل‌تنگ می‌کرد. کاش می‌شد گوشه‌ای بایستیم. این آرزو هنوز توی دلم بود که ناگهان صدایی مثل شلیک گلوله بلند شد و مینی بوس افتاد به تکان‌های شدید. لاستیکش ترکیده بود. راننده و محافظان مسلح برای تعویض لاستیک پیاده شدند. از اقبال ما بود که زاپاس مینی بوس هم پنچر از آب در آمد و عراقی‌ها مجبور شدند همان جا لاستیک را پنچرگیری کنند. این یعنی فرصتی برای ما که زیر نگاه سربازان مسلح عراقی روی زمین بنشینیم و مشاممان را پر کنیم از بوی تازه علف و گوش‌هایمان را از صدای گنجشک‌های آزاد آسمان.»
 آن بیست و سه نفر، احمد یوسف زاده

سطح زبانی: زبان آن ساده است. واژگان مربوط به ادبیات دفاع مقدس در آن دیده می‌شود مانند: زندانی، گلوله، عراقی‌ها و محافظان مسلح. ورود واژه‌های اروپایی مانند لاستیک، زاپاس، مینی بوس کاسته شدن واژه‌های عربی نسبت به گذشته اگرچه کلماتی چون شمایل و اقبال در متن به کار رفته است. پنچر از آب در آمدن تحت تأثیر قرار گرفتن نثر بر اساس گفتار اقشار اجتماع و استفاده از اصطلاح عامیانه به هم ریختگی ساختار جمله: مینی بوس افتاد به تکان‌های شدید یا مشاممان را پر کنیم از بوی تازه علف... حذف فعل در بعضی از جمله‌ها مانند: مشاممان را پر کنیم از بوی تازه علف و گوش‌هایمان را از صدای گنجشک‌های آزاد آسمان.
 کوتاهی جملات: مینی بوس افتاد به تکان‌های شدید. لاستیکش ترکیده بود. راننده و محافظان مسلح برای تعویض لاستیک پیاده شدند.
سطح فکری: موضوع و محور اصلی این نثر جنگ و تبعات آن و بیان اتفاقات دوره اسارت است که به زبانی ساده و روان بیان شده است.

سطح ادبی: در قالب داستان و در حیطه شرح حال و یا خاطره نویسی است. توصیف پدیده‌ها و شخصیت‌ها در نثر این دوره عینی و محسوس است: شکل و شمایل خانه‌های روستایی، بوی تازه علف، صدای گنجشک‌های آزاد آسمان قالب و ساختار نوشته خاطره است.

